



اولین رویداد گزارش برتر سال، برترین‌های خود را شناخت

۳ گزارش از روزنامه «شرق» در میان برترین‌ها

اطلاع‌رسانی امروز عقب بماند.این روزنامه‌نگار پیش‌کسوت با عنوان تقلیل مفهوم ارتباطات به عنوان رسانه و بدتر از آن تقلیل مفهوم رسانه به روزنامه‌نگاری و در نهایت تقلیل مفهوم روزنامه‌نگاری به خبر اظهار داشت: «این تقلیل مفاهیم زنگ خطر بزرگی است که رسانه‌های ما را به سمت بیراهه می‌برد. رسانه‌های امروز نیاز دارند با تقویت حوزه گزارش‌نویسی و یادداشت‌نویسی گام‌های جدی و اساسی در جهت اطلاع‌رسانی بردارند.»

شکرخواه ادامه داد: «خوشبختانه ما امروز با گزارش‌نویسان توصیفی

خوبی در جامعه روزنامه‌نگاران روبه‌رو هستیم که گزارش‌های مکانی خوبی ارائه می‌کنند و نیاز داریم این تعداد در رسانه‌ها افزایش یابد.»

۶۰۵گزارش از ۱۷۷روزنامه‌نگار

همچنین مجید صادی دبیر جشنواره گزارش‌های برتر نیز در این نشست با ارائه گزارشی از روند برگزاری جشنواره گزارش برتر اظهار کرد: ۱۷۷ خبرنگار از ۸۷ رسانه، گزارش‌هایشان را برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران فرستادند. این تعداد آثار ارسالی مایه مباحات و دلگرمی ما برای برگزاری دوره‌های آتی این جشنواره شد. در ادامه این مراسم دکتر مجید رضائیان از اساتید حوزه روزنامه‌نگاری در این نشست از گزارش‌نویسی به عنوان دولت عشق روزنامه‌نگاری یاد کرد و گفت: روزنامه‌نگار پاینده کسی است که بتواند گزارش‌نویس خوبی

باشد.در اواخر این مراسم رضا غبیشاوی یکی از پنج داور این دوره، بیانیه هیئت داوران نخستین دوره گزارش‌های برتر سال را قرائت کرد. بعد از قرائت بیانیه هیئت داوران نفرات برگزیده اولین جشنواره گزارش برتر سال معرفی شدند.

گزارش‌های برگزیده

هیئت داوران این رویداد اعم از علی‌اکبر قاضی‌زاده، لیلا رستگار، نغمه دانش آشتیانی، رضا غبیشاوی و سعید ارکان‌زاده‌میزدی بعد از داوری آثار واصله به دبیرخانه جشنواره آثار نیلوفر حامدی از روزنامه شرق برای گزارش: این گزارش تنش درد می‌کند، یاسر نوروزی از روزنامه سازندگی برای گزارش: کشتن کتاب در خیابان، مریم خیاباز از روزنامه جام جم برای گزارش معمای پسماندسوزی‌های سازمان‌یافته، الهه محمدی از روزنامه شرق برای گزارش: قتل با اسم رمز ناموس، محمد باقرزاده از روزنامه اعتماد برای گزارش: قبول‌شدگان شبهه‌ناک و مریم لطفی از روزنامه همشهری برای گزارش: انبار زندگی را به عنوان نفرات برگزیده معرفی کردند.

گزارش‌های شایسته‌تقدیر

هیئت داوران همچنین ۹ گزارش همه بمب‌های جهان در افغانستان، منفرج می‌شود نوشته نرگس جودکی در شبکه آفتاب، مدرنا زیر زمین، جانسون پشت بام نوشته ترانه بنی‌یعقوب از روزنامه ایران، شبی که رعد و برق قلب آسمان را پاره کرد نوشته محمدصادق خسروی‌علیا از همشهری، زندگی در حلقه بسته باد و شن نوشته مرضیه قاضی‌زاده از روزنامه پیام ما، بی‌آرتی خوابی شبی ۲۵ هزار تومان نوشته عاطفه محمودی از تجارت‌نیوز، من و طالبان نوشته زهرا مشتاق از روزنامه اعتماد، کویر در کرخه نوشته مریم شکرانی از روزنامه شرق، دق‌شدن در دریای هلمند نوشته حامد هادیان از روزنامه همشهری، پول بده رئیس‌جمهور شوم نوشته مرضیه امیری از رویداد ۱۴ را شایسته تقدیر دانست.

بیانیه‌داوران

بیانیه هیئت داوران نخستین جشنواره گزارش‌نویسی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران نیز در این نشست قرائت شد. در بخشی از این بیانیه آمده است: در این جشنواره، گزارش‌های متنی منتشرشده از ابتدای سال ۱۴۰۰ داوری شدند و دو شرط برای برگزیدن گزارش‌های منتخب در نظر گرفته شد. اول اینکه گزارش‌ها استانداردهای لازم حرفه‌ای و کیفیت موردیاز در گزارش‌نویسی را داشته باشند و دوم اینکه گزارش‌های اثرگذار باشند و بتوانند خطاها را روشن کنند و قابلیت اصلاح روندها و تغییر شیوه‌ها در جامعه را داشته باشند. در داوری نهایی، گزارش‌های متعددی واجد این دو شرط بودند و تعدد گزینه‌ها مایه امید و خوش‌بینی هیئت داوران به آینده روزنامه‌نگاری کشور بود، اما باید تأکید کرد که در کنار این‌ گزارش‌های استاندارد و اثرگذار که بخشی از آنها در دو فهرست گزارش‌های برگزیده و گزارش‌های شایسته قدرانی آمده‌اند، متأسفانه تعداد چشمگیری گزارش نیز منتشر شدند که معیارهای لازم گزارش‌نویسی را نداشتند. به‌نظر می‌رسد لازم است رسانه‌ها بر قواعد گزارش‌نویسی و ملزومات و تمرین عملی آن و حضور در میدان واقعه و همچنین فرایند سردبیری مطالب تمرکز بیشتری داشته باشند تا بتوانند به این ترتیب اثر عمیق‌تری بر مخاطبان و مسئولان بگذارند. افزون بر اینکه برخی از شاخه‌های گزارش‌نویسی

همچون گزارش‌های تحقیقی یا گزارش‌های خبری و تحلیلی، و همچنین بعضی از حوزه‌ها از جمله گزارش‌های ورزشی و سیاسی، نیاز به تقویت و شکوفایی بیشتری دارند، هر چند که شاید شکوفایی در شاخه‌هایی از گزارش‌نویسی – به‌طور مشخص گزارش‌نویسی تحقیقی و گزارش‌های سیاسی – مستلزم کاهش تسلط قدرت‌های سیاسی بر رسانه‌ها باشد. نکته دیگری که باید بر آن تأکید کرد این است که هیئت داوران در انتخاب آثار برگزیده مطلقاً جنسیت روزنامه‌نگاران را در نظر نداشت، اما با نگاهی به فهرست برگزیدگان نهایی، می‌توان به‌روشنی دید که خوشبختانه روزنامه‌نگاران زن سهم شایسته‌ای در تهیه گزارش‌های باکیفیت رسانه‌های ایران دارند و امیدواریم این سهم در رأس هرم مدیریتی و سطوح بالای تحریریه رسانه‌ها نیز افزایش یابد. در گزارش‌های رسیده به دبیرخانه، تعداد امیدوارکننده‌ای از آثار جالب‌توجه در رسانه‌هایی خارج از مرکز تهیه شده بود و با اینکه این آثار در فهرست برگزیدگان جشنواره حضور پررنگی نداشتند اما باید تأکید کرد که روزنامه‌نگاری جدی در این کشور منحصر به مرکز نیست و اتفاقاً برای توسعه ایران لازم است که رسانه‌های خارج از پایتخت جدی‌تر گرفته شوند.

در هر حال، با اینکه رسانه‌های ایران تحت فشارهای شدید محتوایی و نیز اقتصادی هستند و رقبای قدرتمندی در فضای مجازی پیدا کرده‌اند، مرور آثار جشنواره از این بابت مایه خرسندی بود که نشان می‌داد هنوز می‌توان به رسانه‌ها و دست‌نویح روزنامه‌نگاران حرفه‌ای کشور دلگرم بود، بدون اینکه با نگاهی مطلق نگران، آنها را به‌کلی تمام‌شده و پایان‌یافته فرض کرد یا به آنها به چشم رسانه‌هایی بسیار قدرتمند و در اوج خود نگاه کرد.

هیئت داوران: علی‌اکبر قاضی‌زاده، لیلا رستگار، نغمه دانش‌آشتیانی، رضا غبیشاوی، سعید ارکان‌زاده‌میزدی
در بخشی از بیانیه انجمن صنفی به مناسبت روز خبرنگار نیز آمده است:

اولین و مهم‌ترین مشکل برای روزنامه‌نگاران ایرانی این است که ساختار سیاسی استقلال حرفه‌ای آنان را برای دسترسی آزاد و راحت به اطلاعات و بازتاب‌دادن حقیقت در جامعه ایران به رسمیت نمی‌شناسد. از نظر آنان روزنامه‌نگاران، سربازان جبهه «جنگ روایت‌ها» هستند و باید در برابر روایت‌های دیگران و دشمنان، «روایت رسمی» را تولید و بازتاب دهند، و این یعنی نادیده‌گرفتن فلسفه رسانه و این حرفه. از این رو باید راه را برای بازتاب و بیان حقیقت هموار نمود، روایت‌ها در دل این حقیقت شکل خواهند گرفت.

مشکل اول، منجر به تضعیف بیش از پیش جایگاه رسانه‌های رسمی در جامعه ایران شده و آنها را به دو دسته تقسیم کرده است.

گروه اول که به صورت بی‌حساب از منابع عمومی و از جیب مردم تأمین می‌شوند و در قید و بند مخاطب و رضایت آن نیستند و تنها به انعکاس «روایت رسمی» مخدوش از جامعه مشغول هستند، بدون اینکه کارایی و اثرگذاری لازم را داشته باشند. گروه دوم به دلیل محدودیت‌ها و مشکلات، نمی‌توانند منابع مالی لازم خود را از طریق مخاطب و بازار تأمین کنند، لذا بنیبه‌های ضعیف اقتصادی دارند و روزنامه‌نگاران شاغل در آنها از وضعیت مطلوب برخوردار نیستند. از حیث حقوق و دستمزد،

از حیث امنیت شغلی و بیمه، و از همه مهم‌تر از حیث رضایت حرفه‌ای در مقایسه با رسانه‌های رسمی وضعیت نامناسبی دارند.

گزارش «شرق» از ماجرای حذف رشته موسیقی برای دختران شیرازی

اول مهر پشت نیمکت می‌نشینند؟

نسنترن فرخه: همچنان ۶۱ دختری که ثبت‌نام‌شان در رشته موسیقی هنرستان کامیاب منتهی شده بود، منتظر نتیجه ابلاغیه‌های آموزش و پرورش هستند. موضوعی که در روزهای گذشته با خیر حذف رشته موسیقی برای دختران در شیراز منتشر شد و در پی این اتفاق علی امرایی، عضو کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت هم اعلام می‌کند: تا پایان پیکر خواهیم بود و به احتمال ۹۹ درصد هیچ‌گونه مشکلی وجود نخواهد داشت.بعد از ثبت‌نام دختران در رشته موسیقی هنرستان، به اولیای آنها اطلاع داده می‌شود که ثبت‌نام‌ها منتهی است و برای بررسی ماجرا اولیای دانش‌آموزان به اداره کل آموزش و پرورش می‌روند تا خواستار پاسخی باشند که به آنها گفته می‌شود باید از تهران مجوز بیابید. البته یکی از مسئولان این هنرستان دخترانه نبود منابع مالی از طرف آموزش و پرورش را برای توقف این رشته برای دختران اعلام کرده، درحالی‌که ثبت‌نام در هنرستان‌های پسرانه درگیر این مشکل نشدند.

ماهم مخالف این تبعیض جنسیتی هستیم

علی امرایی، عضو کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت، درمورد ماجرای حذف رشته موسیقی در هنرستان‌های دخترانه شیراز و واکنش والدین آموزان هنرستان کامیاب به «شرق» می‌گوید: درباره این موضوع فکر می‌کنم مشکل در حال حل شدن است، فقط نکاتی که در این زمینه وجود دارد، این است که ابتدا باید ریشه‌یابی شود که علت اعلام این خبر به والدین چه بوده است، در واقع اگر بحث جنسیتی باشد، ما هم مخالف این تبعیض بین دختران و پسران برای رشته‌ای که بخواهند ادامه دهند، هستیم؛ اما اگر بحث‌های دیگری باشد، باید آن را بررسی کرد، فعلاً درمورد دلیل این اتفاق سخنگوی ستاد ثبت‌نام فارس اعلام کرده ما به وزارت آموزش و پرورش اعلام کردیم که آیا در این رشته پذیرش انجام بدهیم یا نه که پاسخی از آموزش و پرورش برای ما نیامده، بعد هم پیغام می‌رود که افراد نمی‌توانند در این رشته ثبت‌نام کنند و رسانه‌ای می‌شود، دوباره با آموزش و پرورش ارتباط برقرار می‌کنند تا مشکل را حل کنند و الان منتظر دستورالعمل هستند تا ثبت‌نام انجام شود. امرایی اضافه می‌کند: طبق اصل ۲۰ قانون اساسی برای تبعیض جنسیتی جایگاهی قائل نشده و فکر هم نمی‌کنم دلیل آموزش و پرورش تبعیض جنسیتی باشد؛ البته همچنان ما پیگیر هستیم تا ثبت‌نام این بندگان خدا انجام شود، ما نباید کاری کنیم که مانع ادامه تحصیل هر شخصی که با علاقه رشته‌ای را می‌خواند، شویم.

عضو کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت در پاسخ به اینکه آیا این دانش‌آموزان اول مهر برای رشته موسیقی در کلاس حاضر خواهند شد؟ می‌گوید: ببینید، مسئله در حال پیگیری است و تا پایان ما پیگیر خواهیم بود و به احتمال ۹۹ درصد هیچ‌گونه مشکلی وجود نخواهد داشت، ثبت‌نام‌شان انجام می‌شود، یک آزمونی دارند که آن را انجام می‌دهند و بعد ادامه تحصیل می‌دهند. این موضوع در هنرستان‌های دیگر هم اتفاق می‌افتد. الان پایه یازدهم و دوازدهم در همان هنرستان درس می‌خوانند و این مشکلی که پیش آمد، برای پایه‌های دهم بوده که ثبت‌نام نشدند. آنچه به بنده اعلام شد، این بوده که آموزش و پرورش مجوز را در اسرع وقت به اداره ارسال نکرده و با رسانه‌ای شدن، موضوع در حال حل شدن است، حتی جلساتی با اولیای دانش‌آموزان برگزار شده که ۶۱ نفر هستند، ما هم تا پایان حل مشکل پیگیر هستیم.

تبعیض جنسیتی یک امر غیرعادلانه‌وباطل

محمدصالح نقره‌کار، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، با اشاره به حق تحصیل و منع محدودیت جنسیتی در انتخاب رشته، به «شرق» می‌گوید: درمورد این موضوع خاص منشأ این تصمیم برای من مشخص نیست که آیا کمبود امکانات بوده یا یک تصمیم اداری یا اجرائی؛ بنابراین در وهله اول باید منشأ اتخاذ این تصمیم مشخص شود؛ اما از حیث موازین حقوق عمومی اصولاً قانون‌گذار با مقررات‌گذار که مبادرت به وضع نظامات امره برای شهروندان می‌کند، باید به اصول حقوق عمومی و اداری پایبند باشد و از جمله مهم‌ترین آن حقوق تبعیض‌ستیزی و منع تبعیض نسبت به تحصیل است؛ پس هرگونه اقدامی که داللت بر تبعیض جنسیتی و هر نوع از تبعیض ناروا که برای شهروندان ممنوعیت ایجاد می‌کند و محدودیت برای دسترسی به موضوعی مثل آموزش، تحصیل هنر و سایر مسائل برای شهروندان را فراهم می‌کند، از منظر حقوق عمومی و اداری یک امر غیرعادلانه و باطل است. قانون‌گذار و مقررات‌گذار طبق اصول هدف شایسته باید نسبت به این موارد حساس باشد و آن را مورد توجه قرار دهد.نفرکار درمورد اینکه آیا اگر محدودیت جنسیتی از طرف آموزشگاه، مدرسه و… ایجاد شود، والدین حق واکنش قانونی دارند؟ می‌گوید: تصمیمات و اقدامات مراجع اجرائی و دولتی قابلیت اعتراض در سیستم اداری و نظارت قضائی طبق مواد ۱۰ و ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری را دارد. درمورد بحث حق بر آموزش که به اصل ۳۰ قانون اساسی مربوط است، دالالت‌های متعددی وجود دارد و این‌های قابل اتکالی در نظام آموزش و پرورش ما است که باید به آنها استناد شود؛ ولی آنچه من به آن استناد کردم، اصول حقوق عمومی و اداری درمورد منع تبعیض با نقض حق آموزش با اعمال تبعیض نارواست، برای همین به صورت کلی مورد توجه است که مقررات اجازه نداده که تبعیض ناروا به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد و یکی از اقداماتی که دیوان عدالت اداری می‌کند و باعث نقض تصمیمات و احراز حقوق تخلف برای اقدامات مقام اداری می‌شود، این است که تصمیمات‌شان موجهات تصمیم ناروا برای شهروندان در حوزه‌های مختلف از جمله حق بر آموزش را فراهم می‌کند.

یادداشت

چرا انسان‌ها برخی حیوانات را بیشتر دوست دارند؟

سپهر سلیمی: چرا واکنش عوام نسبت به کشتار سگ‌ها بیشتر از کشتار حیات‌وحش است؟ چرا کسانی که نسبت به آزار یک گربه واکنش نشان می‌دهند، نسبت به شکار بی تفاوت هستند؟ چرا برخی از افراد نسبت به مرگ حیات‌وحش حساس هستند اما نژاد اهلی‌شده همان حیوان را می‌کشند و می‌خورند؟ اینها پرسش‌هایی است که حتماً به ذهن شما خطور کرده و همیشه بین حامیان محیط‌زیست و حیوانات مطرح بوده است.

نخستین پاسخ برای این پرسش‌ها این است که نگاه انسان به حیوانات عموماً بر اساس منافع انسان و فایده‌محوری است. بر این اساس انسان از حیوانات مختلف در جهت منافع خود بهره می‌برد. در این شرایط بخشی از حیوانات را برای خوراک خود پرورش می‌دهد و زمانی که به وضعیت مناسب رسیدند، آنها را به راحتی می‌کشد و می‌خورد. بخشی از حیوانات را برای نگهدانی و مراقبت از خود پرورش می‌دهد. دسته‌ای از حیوانات برای کار در خدمت انسان هستند و زمانی که به سن بازنشستگی و کهنوت برسند، توسط انسان حذف می‌شوند. بخش دیگری از حیوانات برای سرگرمی و تفریح مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و دسته‌ای دیگر به‌عنوان همدم و حیوان خانگی در کنار انسان هستند. همین نگاه باعث شده در شرایط مختلف، نگاه انسان به حیوانات متفاوت باشد.

از دیگر سو، انسان چیزی را دوست دارد که می‌شناسد. تفاوتی ندارد موجود زنده باشد یا مکان، پوشاک یا خوراک. آشنایی، کلید دوست‌داشتن است. انسان‌ها به‌طور معمول ارتباط بیشتر و نزدیک‌تری با حیوانات خانگی و شهری دارند. تجزیه زندگی در کنار آنها را دارند، از مشکلات آنها آگاهی دارند، شیطنت و کارهای بامزه این حیوانات را دیده‌اند و گاهی از احساسات و رفتارهای آنها شگفت‌زده شده و عشق و مهربانی دریافت کرده‌اند. طبیعی است در چنین شرایطی برای این حیوانات بیشتر دل بسوزاند و برای شرایط بهتر آنها تلاش کنند. شاید اگر چنین رابطه‌ای بین انسان و حیات‌وحش برقرار می‌شد، دلسوزی برای حیات‌وحش نیز در بین عموم گسترش پیدا می‌کرد اما شورویختانه ارتباط اکثر شهروندان با حیوانات وحشی در شرایط مناسبی نبوده است. عموم مردم حیوانات وحشی را در باغ‌وحش‌ها و در شرایط مصنوعی که برای منافع انسانی و منفعت‌طلبی صاحبان آن مکان‌ها ایجاد شده دیده‌اند، گویی این حیوانات ساخته شده‌اند که ابزاری برای کاسبی و نمایش باشند. شرایط بد نگهداری، رفتارهای غیرطبیعی و عصبی حیوانات در کنار وضعیت بد بهداشتی سبب شده خاطره خوبی از این دیدار شکل نگیرد. بخش دیگری از تجربه انسان و حیات‌وحش به تعارضات میان این دو گروه مربوط می‌شود. حیوانات وحشی که به روستاها و مناطق زیست انسان نزدیک شده و به انسان‌ها یا حیوانات اهلی تحت سرپرستی آنها یا محصولات کشاورزی آسیب زده‌اند، بخشی از این خاطرات را ساخته‌اند. اگر شرایطی فراهم می‌شد که انسان‌ها در شرایطی که آسیبی به حیوانات وحشی وارد نمی‌شود، شاهد زیست طبیعی آنها بودند، آن‌وقت شهروندانی داشتیم که بیش از قبل دوستدار حیات‌وحش هستند.

تفاوت رفتار حیوانات وحشی و اهلی در نحوه ارتباط انسان با این حیوانات نیز مؤثر است. انسان‌ها ارتباط نزدیک‌تری با حیوانات اهلی دارند، می‌توانند آنها را لمس کنند، به آنها غذا بدهند و با آنها بازی کنند ولی این شرایط در ارتباط با حیوانات وحشی فراهم نیست و اگر چنین باشد به‌صورت مصنوعی ایجاد شده و درنهایت به ضرر حیات‌وحش خواهد بود. از نظر حامیان حقوق حیوانات تفاوتی بین حیوانات وجود ندارد و همه حیوانات زنده سزاوار شرایط مناسب برای زیست در زیستگاه مناسب خود هستند. پرسش همیشگی حقوق حیواناتی از شهروندان عادی این است که چرا گوشت حیوانات مزرعه‌ای را می‌خورید ولی حاضر نیستید سگ، گربه یا پرندۀ خانگی خود را بخورید؟ و از حامیان حیات‌وحش می‌پرسند چرا حیوانات مزرعه‌ای را می‌خورید ولی از اجداد وحشی آنها در طبیعت حفاظت می‌کنید؟